

هنرهای نمایشی در ساختار نظام فرهنگی کشور

برای تعیین جایگاه هنرهای نمایشی در ساختار نظام فرهنگی کشورمان، می‌توان براساس تعاریف کلاسیک از هنرهای نمایشی که ریشه در هزاره‌های تمدنی بشر دارد و قالب غربی آن، که در کشورمان با عنوان تئاتر شناخته می‌شود و انطباق این تعاریف با مفاهیم و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی تلاش کرد. با این روش می‌توانیم جایگاه تعریف نشده فعلی هنرهای نمایشی را از تعریفی جامع، کاربردی، واقع‌گرایانه و غیرقابل کتمان برخوردار سازیم.

■ جستجوی تعریف هنرهای نمایشی

بررسی های انجام شده در ریشه هنرهای نمایشی، ما را به آیین های موجود در اولین اجتماعات بشری می کشاند. از برآیند بررسی ها به این تعریف اجمالی می رسیم که هنرهای نمایشی - از شکل عام آن تا شکل خاص تئاتر - از بطن شرایط متفاوت و متغیر زندگی انسانی نشأت گرفته است و همانند زندگی، جامعیتی درخور آگاهی و شناخت همه جانبه هر تمدن بشری دارد. اینگونه است که اندیشمندان معتقدند هنر نمایش به هر وسیله ممکن، جوانب عینی زندگی بیرونی و همراه با جهان درونی انسان را در بعد متافیزیکی آن به چالش می کشد. به همین دلیل است که زبان واقع گرای نمایش به دنبال نزدیکی خود با مبانی اصولی، که با نوعی شاعرانگی انرژی خود را بدان منتقل می سازد، از طریق ایجاد مغناطیسم عصبی در انسان، به وی امکان گذشتن و فرا رفتن از مرزهای هنر و کلام را می دهد تا وی بتواند به گونه ای فعال و به طریقی جادویی در واژه های حقیقی، نوعی خلقت عام را تحقق بخشد که در آن انسان جایگاه خود را میان رویا و واقعیت، طبیعت و ماوراءالطبیعه خواهد یافت.

بر اساس اصول سیاست های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، جامعه رشید، جامعه ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی بازشناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا گذرا تفکیک کند و قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. برای رسیدن به این مقصود چه محملی موثرتر، کم هزینه تر و زود بازده تر از هنرهای نمایشی می توان یافت؟ در ادامه برای تعیین جایگاه هنرهای نمایشی در ساختار نظام فرهنگی کشور، کافی است در مقایسه ای اجمالی بینیم هنرهای نمایشی تا چه میزان توانایی ایجاد بسترهای دستیابی به اهداف فرهنگی کشور را دارد.

■ همسویی با سیاست های فرهنگی انقلاب اسلامی

بر اساس سند اصول سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در تمامی شئون فردی و اجتماعی کشور، اصل، پایه و مبنای قرار گرفته است. بنابراین نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی در حقیقت انقلاب فرهنگی است و اگر نگوئیم همه اختیارات و امکانات، قدر مسلم این است که می توانیم بگوئیم بیشترین و مهمترین و عمده ترین تلاش ها و توانمندی ها باید برای تکامل و توسعه و تحرک فرهنگی در همه شئون فردی و اجتماعی به بهترین نحو صرف شود. اگر در قول و قرار شفاهی و کتبی، ۹۰ درصد راه حل ها و درمان ها را فرهنگی دانسته و ۱۰ درصد آن را غیرفرهنگی بدانیم، اما در عمل این

نسبت را معکوس کرده، ۱۰ درصد امکانات و توانایی ها را به فرهنگ و ۹۰ درصد آن را به امور دیگر متوجه سازیم، از سیاست فرهنگی چندان نصیبی نخواهیم برد.

در این سند، سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی برگرفته از جهان بینی و انسان شناسی اسلامی و مبتنی بر مبانی و مفاهیمی از این قبیل تعریف شده است:

- حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه های زندگی فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دینت مانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تبری و تولی در جامعه اسلامی

- جاودانگی وجود انسان و کرامت و شرافت ذاتی او به عنوان خلیفه الله



و امانتدار خداوند، صاحب اراده و اختیار، دارای قدرت تعقل و انتخاب در جریان سرنوشت و نیز نقش عقل و تجربه در استمرار حرکت تکاملی وی

- برخورداری انسان از فطرت الهی که ریشه و منشأ رشد و خیر و صلاح او است.

- همانندی و برابری انسان ها در آفرینش و عدم تمایز بین رنگ ها و نژادها و صنوف دیگر انسانی و جهان شمول بودن پیام اسلام و دعوت انسان ها به همکاری و تعاون همگانی در انجام کارهای نیک و انسانی

- سرشت مادی و معنوی بشر و قابلیت رشد و شکوفایی وی در همه جوه و زمینه های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، عقلی

و عاطفی و ملازمه این وجوه با یکدیگر
- خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌خواهی، ظرفیت علمی نامحدود و کشش
فطری انسان به سوی علم و دانایی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش و
خیر اخلاقی

- زاینده‌گی و قدرت ایمان در خلق ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی
و ایجاد روحیه استقلال، آزادی، عزت نفس و تحکیم مناسبات انسانی در
جامعه

- تربیت‌پذیری آدمی و به فعلیت درآمدن استعدادها و خلاقیت‌های
وی از طریق پی‌ریزی بنای جامعه‌ای موحد، عدالت خواه، دانش طلب،
متکی بر جهاد و اجتهاد، متصف به اعتدال و واقع‌بینی و نیز بهره‌مند از
مباحثات و مبادلات فکری، نقادی‌ها و تحقیقات علمی، عبرت‌آموزی‌ها و
تجربه‌اندوزی‌های تاریخی

- اصالت ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه
والای تقوا، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسان‌ها

- تأثیرپذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع
فرهنگی آن و مسئولیت نظام اسلامی در سالم‌سازی محیط، تحقق قسط و عدل،
تأمین حق مشارکت مردم در همه امور با توجه به لزوم زدودن علل و عوامل
زمینه‌ساز کفر و نفاق، فقر و فساد، ظلم و استبداد، سلطه و استکبار

دیگر نیازی به توضیح نیست که هنرهای نمایشی بر اساس ریشه‌یابی‌های
تاریخی و تعاریف جامع جهانی نه تنها منافاتی با مبانی برشمردن ندارد که
اصولا چنین مفاهیمی را در آمال خود جستجو می‌کند.

□ اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و فتاوی حضرت امام خمینی (ره)

دیگر مبنای تعیین جایگاه هنرهای نمایشی در نظام فرهنگی کشورمان،
اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و فتاوی بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران
امام خمینی (ره) است. اندیشه‌ها و دیدگاه‌های امام در عرصه‌های عرفانی،
فرهنگی و هنری همانند عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، راهنما
و راهگشاست و بر سیاست فرهنگی و هنری کشور پرتوافکن خواهد بود.
مراجعه به این منبع تفکر می‌تواند موانع ناپیدا بر سر راه توسعه هنرهای
نمایشی را نیز یک به یک پاسخگو باشد.

فرمایشات ایشان در باب فرهنگ و هنر در سند اصول سیاست‌های
فرهنگی، چنین نقل شده است:

«فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است.»

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده
اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان
محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت

کشید: «خطر تحجرگرایان و مقدس‌نماهای احمق ... کم نیست.»

در جمهوری اسلامی جز در مواردی که اسلام و حیثیت نظام در خطر
باشد، آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا، هیچ کس نمی‌تواند
رأی خود را بر دیگری تحمیل کند: «... ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های
نه شرقی و نه غربی واقعی و اسلام پاک و منزله از ریا و خدعه و فریب را
معرفی نماییم انقلاب پیروز شده است. راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن
مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. امیدواریم بشر به رشدی
برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند. آنقدری که قلم و بیان در خدمت
بشر بوده است، مسلسل‌ها نبوده‌اند... اسلام هم که امر فرموده است جهاد
بکنند ... اساس بر این است که دفاع از حق بکنند و حق را و علم را جانشین
مسلسل بکنند. تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن
و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن، از اصول بسیار مهم
اسلام عزیز است. چهارچوب اسلام ناب محمدی (ص) که در ترسیم قهر و
خشم و کینه مقدس و انقلابی علیه سرمایه‌داری غرب و کمونیسم متجاوز
شرق است و نیز راه مبارزه علیه ریا و حيله و خدعه را به مردم و به خصوص
جوانان سلحشورمان نشان دهید. این مسأله که نظام در اهداف خود جدی
است و در صورت به خطر افتادن ارزش‌های اسلامی با هر کس در هر موقعیت
قاطعانه برخورد می‌نماید، باید به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر برای تمامی
دست‌اندرکاران و مردم تبلیغ گردد.»

□ انطباقی با مباحث فرهنگی قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان مظهری از بینش فرهنگ اسلامی و جلوه‌ای دیگر
از افکار و اندیشه‌های امام (ره) و رهبری و الهام بخش و استحکام بخش
سیاست فرهنگی، می‌تواند در این روند به روشنی جایگاه هنرهای نمایشی را
در پیشبرد اهداف کلان کشور تثبیت کند. مفاد قانون اساسی - بویژه آنچه
در اصول دوم، همچنین هفتم تا سی‌ام در باب فرهنگ و لوازم اجتماعی و
سیاسی آن آمده است - و به عبارت دیگر، رهنمودهایی که درباره مسائل و
موضوعاتی از قبیل فضایل اخلاقی، کرامت انسانی، آزادی، استقلال، تجارب
بشری، تتبع و ابتکار، آگاهی‌های عمومی، مشارکت مردمی، امر به معروف و
نهی از منکر و نظایر آن یاد شده است، همگی در آثار نمایشی قابل پیگیری
و ثمررسانی است.

□ محیط پراهداف کلان فرهنگی کشور

با مروری بر اهداف کلان فرهنگی کشور، مندرج در سند اصول سیاست‌های
فرهنگی نیز به روشنی می‌توان جایگاهی استراتژیک برای هنرهای نمایشی
قائل شد. این اهداف عبارتند از:



(۱) رشد و تعالی فرهنگ اسلامی - انسانی و گسترش پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان

(۲) استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات

(۳) به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعلیت درآمدن استعدادهای خداداد و به ثمر رسیدن ذخایر عقلی و وجودی انسان

(۴) آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی

(۵) تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش‌های مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب

(۶) درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و پاک‌سازی دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی

□ بستر ساز اصول سیاست‌های فرهنگی

با توجه به اهداف شش‌گانه یاد شده، هنرهای نمایشی در شکل اجرایی نیز به‌صورت مستقیم و ذاتی قابلیت بستر سازی دستیابی به اهداف بیست و پنج‌گانه اصول سیاست‌های فرهنگی را دارد، حتی در بسیاری موارد مصداق واقعی و اجرایی هر بند تلقی می‌شود. اصول سیاست‌های فرهنگی کشور که راهنمای مسئولان و مدیران، برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی خواهد بود، عبارتند از:

(۱) بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی، هنری و فرهنگ عمومی، و نگاهبانی از موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیای دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلامی در ایران

(۲) شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران

(۳) ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان

(۴) شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب

(۵) تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگی‌های قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت

(۶) تلاش مستمر در جهت رشد علمی، فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر

شدن سوادآموزی و تعلیم و تربیت

(۷) تلاش برای تقویت، ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی

(۸) گسترش زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات

(۹) پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی

(۱۰) فراهم کردن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها

(۱۱) تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار



(۱۲) مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان تحت شعار واقع‌گرایی

(۱۳) ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی

(۱۴) ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش و کوشش در جهت استقلال و خوداتکایی در عین التزام به کفاف، قناعت و مبارزه با روحیه اسراف و تبذیر

(۱۵) پرورش روح و جسم با اهتمام همه‌جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی

به عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی

(۱۶) تقویت، احیا و معرفی هنر اصیل و سازنده در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلامی

(۱۷) اقدام همه جانبه برای شناخت نیروها، نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسئولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هرچه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی

(۱۸) تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به عنوان «مربی نسل آینده» و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینش‌ها و اعتقادات نادرست در این زمینه

(۱۹) گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی، همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت

(۲۰) اتخاذ سیاست‌های ایجابی و مثبت در امور فرهنگی، هنری و اجتماعی و ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه، و اهتمام به جاذبه، رحمت، جامع‌نگری و دوراندیشی، شور و مشورت و پرهیز از خشونت، شتابزدگی، یکسونگری و استبداد رأی

(۲۱) آموزش و تشویق تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص

(۲۲) تلاش برای شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل دینی و ملی به منظور احیای این هویت و استحکام و استمرار استقلال فرهنگی

(۲۳) گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است.

(۲۴) توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به منظور ترویج و تحکیم فضایل اخلاقی

(۲۵) توجه به فرهنگ و هنر روستایی به منظور بالابردن سطح فرهنگی در روستاها، همچنین تقویت خلاقیت‌های اصیل و با ارزش روستایی و عشایری

منبع روشنگری سیاست فرهنگی

ظرفیت‌های آشکار هنرهای نمایشی در نگاهی دیگر، قابلیت رفع موانع

پیشبرد اهداف کلان فرهنگی کشور را دارا است. با مرور منبهاات بیست و شش گانه مندرج در سند اصول سیاست های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، گویی تعریف جامعی از امکان مشترک رفع همه آنها در ذهن شکل می‌گیرد که منطبق با تعاریف مختلف و متنوع اما هم ساحت از هنرهای نمایشی است. کافی است با تعمق در هر بند، تعداد بی‌شمار نمایش‌هایی را که در قالب کلاسیک، آیینی، سنتی، مذهبی، کمدی، تخت حوضی، سیاه بازی، پیش‌پرده‌خوانی و... دیده‌ایم، فهرست کنیم تا بی‌درنگ به ظرفیت بالای هنرهای نمایشی در روشن‌سازی این وضعیت‌ها پی ببریم.

(۱) تلقی نادرست از زهد و ترک دنیا به صورتی که مغایر با تحرک، رشد، آینده‌نگری و پیشرفت اجتماعی باشد.

(۲) بی‌اعتنایی به نظم عمومی و بدبینی تاریخی که نسبت به دولت وجود داشته است.

(۳) تصور مغایر بودن شریعت اسلامی با هر گونه نوآوری و تضاد تقوا و تعهد با تخصص

(۴) مخفی شدن فساد عقیده و اخلاق

(۵) گرایش به راه‌حل‌های شتابزده و خشونت‌آمیز در مورد مشکلات اجتماعی و معضلاتی که نیازمند به تحقیق و تدبیر است.

(۶) چنگ زدن به شرع برای فرار از قانون و بالعکس

(۷) توجیه تخلف از نظم اجتماعی به بهانه عدم سوءنیت

(۸) خودداری از قدرشناسی اجتماعی به بهانه پاداش اجتماعی و توقع ایثار

(۹) عدم توجه کافی به ویژگی‌های مختلف انسان‌ها و خوب یا بد دانستن آنان به‌طور مطلق

(۱۰) عدم توجه به نقش عوامل و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی در اصلاح جامعه و اکتفا کردن به وعظ و نصیحت در هدایت و تربیت دینی و اجتماعی

(۱۱) مدون نبودن فلسفه سیاسی و نظریه مدیریت در جامعه با وجود مبادی و مواد اولیه لازم در منابع فقه اسلامی

(۱۲) برداشت نادرست از بعضی مفاهیم دینی

(۱۳) تحت‌الشعاع قرار گرفتن حق در مقابل شخصیت

(۱۴) رواج بعضی خرافات در پوشش سنن قومی یا عقاید دینی

(۱۵) نقد ظاهری سنت‌های خودی با تمسک به ظواهر، سنت‌ها و افکار بیگانه

(۱۶) ریاکاری، نفاق، تملق و خطر گسترش آن به‌صورت اخلاق اجتماعی

(۱۷) پرده‌داری، حرمت‌شکنی، قانون‌شکنی و جوسازی به بهانه یک وظیفه





دینی یا حرکت انقلابی

۱۸) سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی آنان و تفسیر نادرست اعمال آنها و متهم کردن آنان

۱۹) بی‌اعتنایی به امور و ارزش‌های ملی در جامعه و بی‌حرمتی به فرهنگ و سنن اقوام و ملل دیگر

۲۰) نهی از منکر با توسل به منکرات دیگر

۲۱) بی‌توجهی نسبت به ارزش‌های معنوی، مبانی و مواضع اصولی و غفلت از فریضه دینی - اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر

۲۲) کارخود را ملاک خوب و بد دانستن و قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا کردن و در مقابل کسی مسئول نبودن

۲۳) غفلت از سوابق غریب‌دگی و ریشه‌های التقاط و عدم توجه کافی به حل مسائل عصر با رجوع به معارف دینی و مطرح نبودن شیوه‌های درک و فهم فرهنگ‌های دیگر و روش‌های ارتباط با آنها

۲۴) عوام زدگی و عوام فریبی با تکیه بر باورها، عادت‌ها و شیوه‌های نادرست رایج در جامعه به نام طرفداری از محروم یا دفاع از دیانت

۲۵) عدم اهتمام به تعاطی افکار و تبادل آرا و تمسک به روش‌های غیرمنطقی در برخورد با افکار دیگران و ترجیح راه‌حل‌ها و برخوردهای سلیبی در موارد غیرضروری

۲۶) بازخواست نکردن از کسانی که قوانین را بنا بر رأی خود تفسیر و اجرا می‌کنند.

□ امکانی برای تحقق اولویتهای فرهنگی

هنرهای نمایشی در طول تاریخ و در پیوند مستمر و تنگاتنگ با فرهنگ اجتماعی ملت‌ها، حتی پیش از شکل‌گیری مفهومی با عنوان «مدیریت فرهنگی» به نوعی امکانی برای مدیریت فرهنگی جوامع ارزیابی می‌شود. در عصر حاضر نیز با توجه به توسعه مفاهیم فرهنگی، به روشنی می‌توان اولویتهای مدیریت فرهنگی را در توجه به هنرهای نمایشی جستجو کرد. حتی اگر - برخلاف نظر صاحب‌نظران هنری - براساس معیارهای مهندسی فرهنگی، با نگاهی ابزاری، به هنرهای نمایشی به عنوان فرآیندی موثر بر ساختار ارگانیک فرهنگ عمومی توجه کنیم، می‌توانیم هنرهای نمایشی را محملی کم هزینه، زود بازده و با گستره وسیع مخاطب دریابیم.

هنرهای نمایشی به‌صورت ذاتی و ماهیتی، پنج اولویت اول فرهنگی سند اصول سیاست‌های فرهنگی کشور را در مبانی تعریف شده و تعریف پذیر خود جای داده است؛ مواردی همچون:

۱) اولویت دادن به «کودکان، نوجوانان و جوانان» در داخل کشور

۲) اولویت دادن به «کشورها و مجامع اسلامی و ایرانیان» در خارج از کشور

۳) اهتمام بیشتر به «کشف استعدادها و خلاقیت‌های فرهنگی و هنری» و آموزش و تربیت نیروی انسانی

۴) اولویت دادن به اعتلای مقام زنان در سطح کشور با توجه به جایگاه والا و نقش اساسی زن مسلمان در تحکیم مبانی خانواده و برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و هنری

۵) ایجاد زمینه‌های مناسب جهت بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و سرگرمی

نتیجه اینکه با وجود غفلت در ارائه تعریفی جامع از هنرهای نمایشی بویژه تاثیر از سوی تصمیم‌سازان، سیاستگذاران و نهادهای اجرایی، در نگاهی اجمالی می‌توان به جایگاه والای این هنر در نظام فرهنگی کشور پی برد.

□ محمل دست‌یابی به اهداف سند توسعه

در این بخش لازم است با همان نگاه جستجوگر، نگاهی نیز به سیاست‌های کلی برنامه پنجم در بخش توسعه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بیندازیم تا دریابیم هنرهای نمایشی در این عرصه نیز قابلیت همراهی، بسترسازی و به ثمر نشاندن سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در حوزه فرهنگ را دارد.

سیاست‌های برنامه پنجم توسعه در شش محور به حوزه فرهنگی پرداخته است اما در جستجوی دقیق‌تر می‌توان برای تمامی محورهای اقتصادی، اجتماعی، حتی نظامی و امنیتی نیز نقش موثری در فرهنگ، بویژه هنرهای نمایشی قائل شد. محورهای کلی توسعه فرهنگی در این سند عبارتند از:

۱- تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم

۲- زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها

۳- تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید

۴- مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات

۵- استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام

۶- ایجاد درک مشترک از چشم انداز بیست ساله و تقویت باور و عزم ملی برای تحقق آن